

نوروزِ ساسانی و نوروزِ ما



دکتر میثم لباف خانیکی

عضو هیئت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

آنچه از مناسک و مراسم نوروزی در ایران ساسانی دانسته است، مبتنی بر گزارش‌ها و روایات مورخین و دانشمندان دوران اسلامی است. توصیف نوروز در متون متقدم دوره اسلامی، یا برگرفته از رسالات پهلوی بوده و یا حاصل مشاهده مراسم که پس از سقوط ساسانیان هنوز حیات داشته و همچنان به جا آورده می‌شد. همین توصیفات، تصویری نسبتاً روشن از کم‌وکیف نوروز ساسانیان پیش روی ما قرار می‌دهد. برگزاری نوروز در دوران اسلامی و تکریم آن از جانب امرای مسلمان، موجب تداوم سنت‌های پیش از اسلام در سده‌های پس از سقوط ساسانیان شد و بقای خویش را تا به امروز حفظ کرد. از این رو، بسیاری از آداب و مناسکی که ما، امروزه در جریان عید نوروز به جا می‌آوریم، ریشه در سنن پیش از اسلام دارد و هر یک، از معنا و مفهومی خاص برخوردار است که شاید در خاطر ایرانیان امروز، اندکی رنگ باخته باشد. یادآوری آنها، خالی از لطف نیست.

شاید قدیم‌ترین متنی که در آن ذکری از مراسم نوروز مضبوط است، رساله‌*المحاسن و الاضداد* (مربوط به اواسط قرن سوم هجری) باشد. عموماً، مؤلف آن را جاحظ دانسته‌اند ولی در همان کتاب از قول شخصی به نام کسروی، به گوشه‌هایی از مراسم نوروز اشاره می‌شود که تداعی‌گر سنت‌های امروز ماست (نک. ایناسترانتسیف، ۱۳۸۴: ۶۷-۶۴). «تبریک‌گویی» به هنگام حلول سال نو که امروز، «پیشاپیش» شروع می‌شود و سرآغاز هر گفت‌وگوی نوروزی است، از آن زمره است. تبریک نوروزی را فردی پیشکش شاه ساسانی می‌کرد که خوشنام و نیکبخت بود. هم‌او به همراه خود حبوبات گوناگون می‌آورد، که از آن میان «هفت» دانه برمی‌داشتند و در کنار میزی می‌نهادند که در مقابل شاه قرار داشت. در وسط آن میز «هفت» شاخه از درختانی مثل بید، زیتون، به و انار گذاشته می‌شد و بر روی هر شاخه دعاهایی با مضمون افزونی، ثروت، خوشبختی و فراوانی می‌نگاشتند. در کنار این هفت شاخه، هفت جام سفید و هفت درهم سفید ضرب همان سال نیز می‌نهادند. بدون شک همین «هفت» قلم گیاه و ظرف و سکه است که به شکل «هفت سین» امروزی، سفره‌های نوروزی را می‌آراید؛ اما این «سین» به نظر نمی‌رسد که به سین و شین الفبای فارسی نو ربطی داشته باشد؛ چراکه جز سکه (که آن هم در فارسی میانه، جز آن تلفظ می‌شد)، واژه دیگری با سین آغاز نمی‌شد. شاید اقلام مذکور در ظرف‌های نفیسی گذاشته می‌شد که از چین یا «سین» به ایران رسیده بود. این ظرف‌ها را منتسب به چین، چینی یا «سینی» می‌گفتند

و در واقع، در سفره نروزی، سینی‌های هفت‌گانه‌ای چیده می‌شد که در هر هفت سینی، چیزی قرار داشت. بعید نیست این هفت سینی، به‌مرور به «هفت سین» تخفیف پیدا کرده باشد و امروز هفت سین است که رایج شده، با اندکی تغییر در معنا و مفهوم.

دید و بازدید نروزی نیز همان‌گونه که در دربار ساسانی مرسوم بود، در جامعه آن زمان احتمالاً بین عامه مردم برقرار بوده است. بعد از افتتاح مراسم جشن نروز توسط پادشاه، پنج روز به باریابی گروه‌ها و اصناف مختلف اختصاص داده می‌شد. پادشاه جلوس می‌کرد و روز اول مردم، روز دوم دهقانان و خاندان‌ها، روز سوم سپاهیان و بزرگان و موبدان، روز چهارم نزدیکان و خاصان شاه و روز پنجم خانواده و خدم شاه به درگاه وی بار می‌یافتند (بیرونی، ۱۳۶۳: ۳۳۲).

در کتاب *المحاسن والاضداد* گزارش دیگری از مراسم نروزی مضبوط است که سبزه عید را می‌شناساند؛ چنین آمده که «بیست روز قبل از نروز، دوازده ستون از خشت خام در حیاط قصر نصب می‌کردند و روی یکی از آنها گندم و روی ستون دیگری جو و دیگری برنج و دیگری لوبیا و دیگری عدس و دیگری ارزن و دیگری باقلا و دیگری نخود و دیگری کنجد می‌کاشتند... و می‌گفتند هر یک از این دانه‌ها بهتر سبز شود و بهتر برسد، نشانه آن خواهد بود که آن نوع دانه در آن سال رشد خوب خواهد داشت». ابوریحان بیرونی در *آثار الباقیه*، این سنت را به زمان بازگشت جم از جنگ با ابلیس و سبز شدن چوب‌های خشک نسبت داده است. این روز، روز نو بود و «هر شخص از راه تبرک به این روز در تشتی جو کاشت، سپس این رسم در ایرانیان پایدار ماند که روز نروز در کنار خانه هفت صنف از غلات در هفت استوانه بکارند و از روییدن این غلات به خوبی و بدی، زراعت و حاصل سالیانه حدس بزنند» (بیرونی، ۱۳۶۳: ۳۳۰).

حتی تعطیلی ایام نروزی ریشه در سنت ساسانی دارد؛ چراکه پادشاه در نروز درباره هیچ کاری شور نمی‌کرد، مبادا از او کار ناپسندی سر بزند و تمام سال دوام یابد. پس بهترین راه، دست شستن از انجام هر کاری بود (ایناسترانتسیف، ۱۳۸۴: ۶۵).

اشاره جاحظ به هدایای نروزی در کتاب «*تاج*»، پیشینه عیدی دادن و ستاندن را هم روشن می‌کند (جاحظ، ۱۳۴۳: ۲۰۴-۲۰۱). به نقل از او «[در نروز و مهرگان] از حقوق پادشاه این است که خاصان و افراد خاندان شاه هدایایی تقدیمش کنند». این هدایا از مشک و عنبر و جامه و پارچه تا اسب و نیزه و تیر و شمشیر و زر و سیم متفاوت بود. حتی شاعران و خطیبان، هدیه‌ای معنوی در قالب یک قطعه شعر یا خطبه‌ای نغز تقدیم شاه می‌کردند. شاه در مقابل تحفه‌هایی که دریافت می‌کرد، دستور می‌داد که چندبرابر ارزش آن را به آن کس که هدیه داده، عطا کنند. مثلاً «رفتار آنها نسبت به کسی که تیری هدیه کرده بود، این بود که تیر را از خزانه بیرون می‌آوردند و در حالی که نام آن شخص بر آن نوشته شده بود، در جایی نصب می‌کردند و در برابر آن از جامه‌های خاص شاهی و سایر جامه‌ها به‌قدری می‌نهادند که با ارتفاع تیر برابر شود، و چون برابر می‌شد صاحب تیر را می‌خواستند و آن جامه‌ها را به او می‌دادند» (جاحظ، ۱۳۴۳: ۲۰۲). در دوران عباسی که وزیران و دبیران ایرانی دیوان خلفا را می‌گرداندند، هدیه نروزی ارزش معنوی خود را بازیافت و به‌جای آنکه وسیله‌ای برای کسب اموال باشد، مجالی شد برای بروز لطف و ذوق شاعران و نویسندگان تا در تبریک و تهنیت این عید، اشعار نغز بسرایند

و نامه‌های لطیف و ظریف برای دوستان بنویسند. در کتابی از حمزه اصفهانی به نام «الشعار السائر فی النیروز و المهرجان» گزیده اشعاری که در نوروز و مهرگان بر سر زبان‌ها بود، گردآوری شده است (محمدی ملایری، ۱۳۷۹: ۹۷)؛ عبارات نغزی که به نثر و نظم تا چندی پیش بر پشت «کارت‌پستال»ها می‌نوشتیم و به هنگام نوروز تقدیم دوستان و آشنایان می‌کردیم، ادامه همان سنت ادبی بود که از دوره ساسانی به بعد میان ایرانیان مرسوم بود.

یکی دیگر از عادت‌های ایرانیان به هنگام نوروز، پاکی و تمیزی تن و جامه بوده است. بیرونی، استحمام ایرانیان در نوروز را به دلیل مناسبت این روز با هورواتات، نگهبان آب‌ها دانسته است. به همین خاطر است که ایرانیان در سپیده‌دم نوروز که از خواب برمی‌خاستند با آب قنات و حوض خود را می‌شستند و گاهی نیز برای تبرک و دفع آفات، آب جاری بر خود می‌ریختند (بیرونی، ۱۳۶۳: ۳۳۱). هنوز استحمام و طهارت پیش از تحویل سال نو، عملی پسندیده محسوب می‌شود.

از دوره ساسانی، شواهد مادی برگزاری عید نوروز شناسایی نشده است. تنها، برخی با شک و تردید، موزاییک‌های رنگارنگ مکشوفه از بیشاپور فارس را که گروهی را در حال پایکوبی و خنیاگری و گل‌آرایی نشان می‌دهد (نک. گیرشمن، ۱۳۵۰: ۱۴۸-۱۴۱) صحنه‌ای از مراسم نوروز دانسته‌اند. می‌دانیم که پادشاهان ساسانی، در نوروز سکه نو می‌زدند؛ ولی روز ضرب سکه‌های ساسانی مشخص نیست. قطعاً نوروز، دستمایه آثار هنری و مبدأ اقدامات عمرانی فراوانی بوده است که بقایای برخی از آنها به دست ما رسیده است؛ ولی نوروزی بودن آنها فراموش شده و زمان دقیق خلق یا مرمت آنها بر ما پوشیده است.

مرور تاریخ نوروز و آگاهی از سرچشمه آیین‌ها و مناسکی که در روز آغازین سال ادا می‌شود، به پایایی این میراث ارزشمند فرهنگی می‌انجامد. گرامیداشت نوروز و سنت‌های چند هزارساله آن، معنابخش هویت ایرانی است و وحدت ملی و سرافرازی ایران امروز را استوار می‌سازد. نوروز، واقعه‌ای مبارک است که هر ساله عمق و اصالت فرهنگ ایرانی را به ایرانیان و جهانیان یادآوری می‌کند و نکوداشت آن، مایه حیات ایران و فرهنگ دیرپای ایرانی است.

منابع

- ایناسترانتسیف، کانستانتین، ۱۳۸۴، تحقیقاتی درباره ساسانیان، ترجمه کاظم کاظم‌زاده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بیرونی، ابوریحان، ۱۳۶۳، آثار الباقیه، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران: امیرکبیر.
- الجاحظ، ابو عثمان عمر بن بحر، ۱۳۴۳، تاج، ترجمه محمدعلی خلیلی، تهران: ابن سینا.
- گیرشمن، رمان، ۱۳۵۰، هنر ایران، جلد دوم، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- محمدی ملایری، محمد، ۱۳۷۹، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، پیوست‌ها (۱)، تهران: توس.